

ادب عربي، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2021.318421.612354

Print ISSN: 2382-9850//Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

## The Analysis of Protagonist in the Novel *Ayyām Ma'ah* based on Abraham Maslow's Self-Actualization

**Payman Salehi**

Associate Professor in Arabic Language and Literature, Ilam University

**Kolsum Bagheri**

PhD Student in Arabic Language and Literature, Persian Gulf University

Received: 2021, February, 6; Accepted: 2021, December, 21

### Abstract

The psychological criticism is one of the novel techniques in literary criticism which tries to examine what is beyond the literary work in order to find the interconnection between art and the artist. The American psychologist, Abraham Maslow, believes that human beings need to grow, and to achieve this growth and development, they need to fulfill five steps of requirements including physiological, security, social, esteem and self-actualization needs. In fact, these needs help the individual accomplish the ultimate goal and first, lower level needs must be satisfied so that the person can reach higher levels and finally self-actualization. In this regard, the present research, through the descriptive-analytical approach, examines the protagonist of the novel *Ayyām ma'ah* by Colette Khoury, the Syrian author based on Maslow's theory. The novel is mostly indicative of Koury's character and her society whose restrictions are the biggest obstacles to the growth and excellence of the women. Despite the obstacles, most of the women are trying harder to resist them in order to reach perfection for creativity and self-actualization. The results of this study indicate that the aforesaid novel matches the indices mentioned by Maslow for self-actualization. Most women and girls do not have the chance to develop and nurture their talents and capacity because of obstacles like irrational customs and traditions. The most obvious need of the protagonist is the presence of a supporter who can remove the obstacles to her growth and grant her wishes. Although she does not have all self-actualization components, having characteristics such as resistance to acculturation, problem-centeredness, acceptance of herself and others, creativity, simplicity, and being natural is a sign of self-actualization. She tries to reach the requirements in steps 4 and 5 of Maslow's pyramid, and on this way, along with the resistance to the dominant culture, she reaches self-actualization by developing her talents like composing poems and playing music.

**Keywords:** Colette Khoury, *Ayyām ma'ah*, Abraham Maslow, Need, Self-Prosperity.

## تحلیل شخصیت اصلی رمان آیام معه بر اساس نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو

پیمان صالحی\*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام

کلثوم باقری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس

(از ص ۸۷ تا ۱۰۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

علمی-پژوهشی

### چکیده

نقد روان‌شناختی یکی از روش‌های نوین نقد ادبی است که می‌کوشد به آنچه در ورای اثر ادبی است، بپردازد تا پیوستگی میان هنر و هنرمند را پیدا کند. آبراهام مزلو، روان‌شناس آمریکایی، معتقد است که انسان طبیعتاً به رشد نیاز دارد و برای رسیدن به این رشد و کمال، نیازمند گذر از پنج مرحله از نیازهاست: نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای امنیتی، نیازهای اجتماعی، نیازهای احترامی و نیازهای خودشکوفایی. در حقیقت، این نیازها وسیله‌ای است که فرد را برای رسیدن به هدف یاری می‌رساند و ابتدا باید نیازهای سطح پایین تأمین شود تا بتوان به سطوح بالاتر و در نهایت به خودشکوفایی رسید. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی شخصیت اصلی رمان آیام معه (روزهایی که با او گذشت) اثر کولیت خوری، نویسنده زن سوری، بر اساس نظریه مزلو پرداخته است. رمان مذکور تا حد زیادی بیانگر شخصیت خوری و جامعه اوست؛ جامعه‌ای که محدودیت‌های آن، از بزرگ‌ترین موانع رشد و تعالی زنان است. با وجود این، بسیاری از آنان برای خودشکوفایی و خلاقیت، در برابر این موانع، مقاومت و تلاش خود را برای نیل به کمال، بیشتر می‌کنند. نتایج پژوهش، نشان از آن دارد که این رمان، با شاخصه‌های مطرح‌شده از سوی مزلو برای خودشکوفایی هم‌خوانی دارد. بسیاری از زنان و دختران به‌خاطر موانعی چون سنت‌ها و آداب و رسوم نادرست حاکم، زمینه‌ای برای رشد و شکوفایی و پرورش استعدادهاى خود نمی‌یابند. بارزترین نیاز شخصیت اصلی رمان، وجود یک حامی است که بتواند موانع رشد او را بردارد و آرزوهایش را محقق کند. او علی‌رغم اینکه تمامی مؤلفه‌های خودشکوفایی را ندارد، اما وجود شاخصه‌هایی همچون مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری، مسئله‌مداری و پذیرش خود و دیگران، خلاقیت و سادگی و طبیعی بودن در او نشان از خودشکوفایی دارد. وی برای دستیابی به نیازهای سطح چهارم و پنجم هرم مزلو تلاش می‌کند و در این راه، ضمن مقاومت در برابر فرهنگ غالب، با پرورش استعدادهای خود، از جمله سرودن شعر و نواختن موسیقی، به خودشکوفایی می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** کولیت خوری، آیام معه، آبراهام مزلو، نیاز، خودشکوفایی.

## ۱. مقدمه

نقد روان‌شناختی، یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر است که به فهم بهتر آثار ادبی و کشف درون‌مایه‌های آنها کمک می‌کند. روان‌شناسی و ادبیات از جهات مختلفی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ یکی از این جهت که هر متن ادبی، زاده ذهنی خلاق و به‌نوعی یک آفرینش است، پس می‌تواند برگرفته از نفسانیات و ذهنیات و همین‌طور حالات روانی خالق آن باشد؛ دیگر آنکه متن ادبی (داستان) متشکل از قهرمان و دیگر شخصیت‌هاست و «بسیاری از منتقدان و حتی سبک‌شناسان معتقدند که قهرمان اصلی داستان، انعکاس و برآیندی از زندگی خود نویسنده است؛ لذا در بسیاری از آثار ادبی می‌توان از طریق اثر، به زندگی و روان ادیب دست یافت» (صمصامی و حمامیان، ۱۳۹۳: ۷۸). زیگموند فروید (Sigmund Freud، ۱۹۲۱م)، بنیان‌گذار روان‌شناسی و پایه‌گذار مطالعات روان‌شناسانه ادبیات و هنر، با کشف ضمیر ناخودآگاه، تحوّل بزرگی در عرصه نقد به وجود آورد؛ زیرا تا پیش از او مطالعات و نقد ادبی و هنری به‌طور عمده بر این اساس استوار شده بود که روشن کند هدف از خلق اثر چه بوده است؛ به بیان دیگر، تا پیش از او در جست‌وجوی آن بودند تا کشف کنند که هنرمند و ادیب چه می‌خواسته بگوید؛ اما پس از فروید نقد به سوی کشف و خوانش ضمیر ناخودآگاه سوق یافت و در پی کشف مسائلی برآمد که هنرمند و ادیب یا نمی‌دانستند یا نمی‌خواستند صراحتاً ابراز کنند (باوری، ۱۳۸۴: ۱۷۹). آبراهام مزلو (Abraham Maslow)، روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی، برخلاف دیگر روان‌شناسان که توجه خود را به بررسی مشکلات روانی معطوف می‌داشتند، به بررسی علل موفقیت افراد پرداخت و با طرح نظریه سلسله‌مراتب نیازها که از مهم‌ترین نظریه‌های انگیزشی معاصر محسوب می‌شود، شهرت جهانی یافت. براساس نظریه او که به نام «هرم مزلو» مشهور است، نیازهای انسانی به پنج دسته تقسیم و در قالب سلسله‌مراتب نشان داده می‌شوند که پیچیده‌ترین آنها، نیاز به خودشکوفایی و استعدادهای بالقوه فردی است و در رأس هرم قرار دارد و خاص انسان است و می‌توان از آن با نام «هنر انسان‌شدن» یاد کرد. به اعتقاد مزلو نیازهای بالاتر در فرایند تکامل، دیرتر و اغلب در سنین بالاتر بروز می‌کنند و ارضای آنها نیز آرامش و رضایت عمیق‌تر و پایدارتری را برای فرد به ارمغان می‌آورد و افراد، در این سطح نسبت به سطوح دیگر نیازها، بیشترین تفاوت را با یکدیگر دارند (مزلو، ۱۳۶۹: ۸۳-۸۴). این نظریه، تحوّل شگرف در زاویه دید روان‌شناسان به انسان ایجاد کرد و دامنه آن به ادبیات و بررسی روان‌شناسی آثار ادبی بر اساس هرم مزلو کشیده شد؛ چراکه با این روش می‌توان اندیشه‌های حاکم بر اثر ادبی را به‌صورت دقیق‌تری تجزیه و تحلیل کرد.

با عنایت به جایگاه مهم نویسندگی کولیت خوری، نویسنده سوری، در ادبیات عرب و اهمیت نظریه مزلو در نمودهای خودشکوفایی انسان، پژوهش حاضر تلاش می‌کند شخصیت اصلی رمان اّیام معه را از این نویسنده بر اساس نظریه مذکور بررسی و تحلیل کند تا در پایان، پاسخگوی این

پرسش‌های باشد: ۱. بررسی رمان *ایام* معه با هرم مزلو، چه ابعدی از شخصیت کولیت خوری را مشخص می‌کند؟ ۲. با توجه به نظریه آبراهام مزلو، کدامیک از نیازهای هرم در رمان *ایام* معه شاخص‌تر است؟

در خصوص نظریه هرم مزلو کم‌وبیش تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: مقاله «بررسی تطبیقی نمودهای خودشکوفایی در مثنوی با روان‌شناسی انسان‌گرایانه آبراهام مزلو» (۱۳۸۷) از بیژن ظهیری ناو و همکاران که با بررسی مؤلفه‌های خودشکوفایی در مثنوی مولوی، به این نتیجه دست یافته‌اند که مؤلفه‌هایی چون درک بهتر واقعیت و برقراری رابطه سهل‌تر با آن، مسئله‌مداری، کیفیت کناره‌گیری، نیاز به خلوت و تنهایی، حس همدردی و شوخ‌طبعی فلسفی، پذیرش خود، دیگران، طبیعت و ... به‌وفور در اشعار مولانا دیده می‌شود. علی‌اکبر باقری خلیلی و منیره محرابی‌کالی در مقاله «بررسی ادراک واقعیت و پذیرش خود و دیگران در غزلیات حافظ (بر اساس نظریه شخصیت‌خودشکوفایی آبراهام مزلو)» (۱۳۹۰)، نتیجه می‌گیرند که مؤلفه توصیف واقعیت و پذیرش خود و دیگران و طبیعت که از مهم‌ترین ویژگی‌های خودشکوفایی انسانی از نظر مزلو است، به‌فراوانی در اشعار حافظ دیده می‌شود. سهراب مروتی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی سلسله‌مراتبی بودن نیازهای انسان در نظریه مزلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم» (۱۳۹۲) بیان می‌دارند که نظریه مزلو با وجود نقاط قوت و دیدگاه‌های آن درباره سرشت انسان، ظرفیت‌های انسانی را نشناخته و سیر تعالی انسان را یک سیر خطی دانسته است، در حالی که انسان موجودی پیچیده است و تحت تأثیر گرایش‌های فطری و تعالیم اکتسابی است و توانایی به‌کارگیری تمام نیازمندی‌های خود را برای رسیدن به کمال مطلوب دارد. با وجود این، امکان انطباق نظریه مزلو با رمان مذکور وجود دارد؛ چراکه کولیت خوری شخصیت اصلی رمان را نمودی از دختران و زنان جامعه خود می‌داند که با وجود مشکلات و موانع در دستیابی به نیازها، برخی از آنان به ظرفیت وجودی خود دست یافته و به خودشکوفایی رسیده‌اند.

درباره رمان *ایام* معه، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: سهی محمد هایل در رساله دکتری خود با عنوان *الرؤیا والتشکیل فی ابداع کولیت خوری الروائیة* (۲۰۰۹)، جامعه مؤتة اردن، رمان‌های *ایام* معه، *لیلة واحدة*، *مرالصیف* و *ایام مع الايام* را از نظر مضامین اجتماعی، سیاسی، شیوة بیان و همچنین زمان و مکان بررسی کرده است. سلوی عدنان الحصنی در مقاله «بنیة خطاب المرأة فی أعمال کولیت خوری الإبداعیة فی ضوء الدراسات المقارنة» (۲۰۱۰) جایگاه زنان و دختران را در آثار کولیت خوری کاویده است. فروزان شهرکی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی زبان بدن در دو رمان *ایام* معه از کولیت خوری و بامداد خمار از فتانه حاج‌سیدجوادی» (۱۳۹۸) ضمن بیان پربسامدترین کارکردهای زبان بدن، شخصیت‌های زنانه این دو رمان را بررسی و مقصود دو نویسنده را از رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌ها تبیین کرده‌اند. فائزه سواری و همکاران در مقاله «تجلیات النسویة ولغتها فی أعمال کولیت خوری (لیلة واحدة و *ایام* معه)

و منیرو روانی‌پور (دل فولاد و کولی کنار آتش)» (۱۳۹۹) به بررسی زبان بدن و وجوه اشتراک و افتراق بین کولیت خوری و منیرو روانی‌پور در به‌کارگیری مفاهیم زنانه در آثارشان پرداخته‌اند، اما براساس مطالعات نظام‌مند تاکنون پژوهشی دربارهٔ رمان‌های کولیت خوری بر اساس نظریهٔ خودشکوفایی آبراهام مزلو صورت نگرفته است؛ لذا با عنایت به جایگاه مهم این نویسنده در ادبیات عرب، انجام چنین پژوهشی می‌تواند در نوع خود، جدید و درخور توجه باشد.

## ۲. نظریه آبراهام مزلو

آبراهام مزلو، از رهبران روان‌شناسی انسان‌نگر، انگیزه‌های آدمی را به شیوه‌ای جالب طبقه‌بندی کرده است. «اساس نظریه انگیزش مزلو بر این مهم استوار است که انسان، کلی، یکپارچه و سازمان‌یافته است» (خیاطیان و فدوی، ۱۳۹۵: ۱۰). مزلو در کتاب انگیزش و شخصیت خود بیان می‌کند که نیازهای روزانه، معمولاً وسایلی برای رسیدن به هدف هستند و خود ذاتاً هدف نیستند (۱۳۶۹: ۵۱). سلسلهٔ نیازها در هرم مزلو بدین صورت طبقه‌بندی شده است:

- نیازهای فیزیولوژیکی: هوا، غذا، آب، مسکن، نیازهای جنسی و خواب؛
  - نیازهای امنیتی: حفاظت، امنیت، ثبات در قانون و شغل و نداشتن ترس از عوامل اجتماعی و محیطی؛
  - نیازهای اجتماعی: داشتن روابط دوستانه، وابستگی عاطفی و روابط خانوادگی، عضویت در گروه‌های خانوادگی، دوستانه و کاری؛
  - نیازهای احترامی: موفقیت، مهارت، استقلال، موقعیت اجتماعی و مورد احترام واقع شدن؛
  - نیازهای خودشکوفایی: تحقق توان بالقوه شخصی، شکوفایی، رشد تجارب شخصی و اجتماعی (مزلو، ۱۳۷۲: ۷۰-۸۳ و شولتز، ۱۳۸۵: ۳۴۱-۳۴۲).
- بنابر سلسله‌مراتب هرم مزلو، نیازهای روی پله‌های پایین‌تر ندان باید ارضاء شوند تا نیازهای پله‌های بعدی خودنمایی کنند. وقتی نیاز سطح دوم برآورده شد، نیاز سطح سوم محسوس می‌شود و به همین ترتیب، تا به آخر (مزلو، ۱۳۶۷: ۹). در واقع، محرک هر مرحله از نیازهای انسان، برآورده شدن نیازهای مرحله قبل است.



هرم نیازها (مزلو، ۱۳۷۲: ۷۱)

### ۳. درباره کولیت خوری

کولیت خوری در ۱۹۳۵م، در دمشق به دنیا آمد. پدرش، سهیل خوری، مقام وزارت داشت و پدربزرگش، فارس خوری، نخست وزیر و اولین رئیس مجلس سوریه بود که به ادیبان، بسیار احترام می‌گذاشت. کولیت در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۸ تحصیلات عالی خود را در دانشگاه دمشق سپری کرد و زبان فرانسوی را نیکو آموخت و در همان دانشگاه نیز مشغول تدریس شد. مدتی بعد وارد میدان سیاست شد و در ۲۰۰۸م به‌عنوان مشاور بشار اسد منصوب شد. خوری در انجمن‌هایی مشارکت فعال داشت که در جهان عرب، به‌عنوان مهم‌ترین انجمن‌های آزادی زن محسوب می‌شود. اثر ادبی برجسته او رمان *آیام* معه است (هایل، ۲۰۰۹: ۳-۴). قهرمان اکثر روایات وی، زنان هستند که در جامعه سنتی با آداب و رسوم مواجه‌اند که محدودیت‌های زیادی برای آنان به وجود آورده است؛ سنت‌هایی که زن را در چارچوب خانه محصور می‌کند و خوری در قالب روایاتش، این مسئله را به تصویر می‌کشد.

### ۴. خلاصه رمان *آیام* معه

داستان، ماجرای زندگی شخصیتی به نام «ریم» است که در سن هفده سالگی بعد از گرفتن دیپلم، برای ادامه تحصیل با مخالفت پدرش مواجه می‌شود؛ اما او دختری نیست که اجازه دهد دیگران برای او تصمیم بگیرند. سرانجام با پافشاری فراوان، پدرش با نارضایتی می‌پذیرد که درس بخواند. ریم به ادبیات و شعر علاقه‌مند است و شاعری او خالی از سرزنش دیگران، خصوصاً عمویش نیست. بعد از دو ماه از تحصیل با شخصی به نام «آلفرد» نامزد می‌شود، ولی دیری نمی‌پاید که به‌خاطر اختلاف نظر، از هم جدا می‌شوند. پس از آن، ریم احساس تنهایی می‌کند و با مرگ ناگهانی پدر این تنهایی برای او سخت‌تر و از ادامه تحصیل منصرف و با وجود مخالفت‌های عمو و مادر بزرگش، در اداره‌ای مشغول به کار می‌شود. مدتی بعد با پسری به نام «زیاد» آشنا می‌شود که استاد موسیقی است. زیاد وقتی می‌فهمد که ریم شاعر است، خواهان تعامل و معاشرت با او می‌شود. در همین معاشرت‌ها به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و همه او را به‌خاطر این رابطه سرزنش می‌کنند. ریم خواهان ازدواج با زیاد و تشکیل خانواده است؛ اما زیاد نمی‌خواهد هنر را فدای عشق و ازدواج کند و از ریم می‌خواهد که ادامه تحصیل دهد و به هنرش توجه کند و نگذارد عشق که بنیانی سست دارد، هنرش را محدود کند. ریم از این طرز فکر زیاد، آزرده‌خاطر می‌شود و برای تغییر دید او به عشق و ازدواج تلاش می‌کند. پس از مدتی زیاد نیز متوجه می‌شود که بدون ریم نمی‌تواند زندگی کند و هنر را بر عشق ترجیح دهد؛ لذا از ریم می‌خواهد با او ازدواج کند، اما ریم در این مدت توانسته عشقِ محلّ آسایش را به عشقی هنرمندانه تبدیل کند و به این باور برسد که هنر و ازدواج با هم نمی‌سازند و می‌خواهد شاعر بماند.

## ۵. بررسی رمان *آیام* معه بر اساس هرم نیازهای مزلو

بدیهی است که انسان برای زندگی، رشد و سلامت، نیازهای متعدّد و متنوعی دارد که تأمین این نیازها، برای حفظ و بقای فرد ضروری هستند؛ به همین دلیل زمان زیادی از زندگی انسان، به تلاش برای برآورده کردن این نیازها اختصاص می‌یابد. در این بخش، شخصیت اصلی رمان *آیام* معه را بر اساس نظریه خودشکوفایی مزلو بررسی و تحلیل می‌کنیم:

### ۱-۵. نیازهای فیزیولوژیکی

نیازهای فیزیولوژیکی در زندگی انسان از اهمیت خاصی برخوردارند. «این نیازها شامل نیاز به هوا، غذا، آب، مسکن، نیازهای جنسی و خواب است» (سیف، ۱۳۹۰: ۲۳۴). خوری به شیوه‌ای هنرمندانه و با کنایه، نیازهای زنان را بر زبان شخصیت‌ها جاری می‌سازد. توصیف‌های ناب وی در سراسر رمان، سبب می‌شود خواننده در هر مرحله، شخصیت رمان و نیازهایش را درک کند. شخصیت اصلی، یعنی ریم، معتقد است که برای دختران، خوردن تنها لذتی است که در جامعه، منتقدی ندارد:

• نَعَمْ... كُنْتُ أَتَلَهِي... بِالْأَكْلِ... أَوْ لَيْسَ الْأَكْلُ مِنْ لَذَاتِ الْحَيَاةِ؟ بَلِ اللَّذَّةُ الْوَحِيدَةُ  
الْمُبَاحَةُ لِلْفَتَيَاتِ فِي بَلَدِي... (خوری، ۱۹۵۹: ۳۵).

ترجمه: بله... میل دارم... به خوردن... آیا خوردن از لذت‌های زندگی نیست؟ بله تنها لذت  
مباح در کشور من برای دختران همین خوردن است.

ریم نیاز به هوایی دارد که بتواند با نفس کشیدن در آن، غم‌هایش را فراموش و برای دیگر امور و  
نیازهایش تلاش کند:

• أَحْسَسْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّحْلِيْقِ فِي الْفَضَاءِ... (همان: ۲۰).

ترجمه: حس کردم که نیاز دارم در هوا پرواز کنم.

• شَعَرْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى اسْتِنْسَاقِ الْهَوَاءِ الطَّلَقِيِّ (همان: ۳۹۴).

ترجمه: به نفس کشیدن در هوای آزاد احتیاج دارم.

او خواب را از شیرین‌ترین لحظات عمر می‌داند؛ چراکه می‌تواند برای ساعاتی از واقعیات دردناک  
جامعه خویش دور بماند:

• كَانَتْ سَاعَاتُ النَّوْمِ مِنْ أَهْنَاءِ سَاعَاتِ يَوْمِي... يَغِيبُ فِيهَا الْإِنْسَانُ عَنِ الْوَاقِعِ... (همان: ۴۴).

ترجمه: ساعات خواب از گواراترین ساعات روز است... در آن انسان از واقعیت فاصله می‌گیرد.

در جایی دیگر، ریم دوست خود، «لیلا» را به گلی تشبیه می‌کند که نیازهای بسیاری دارد، ولی به علت  
شرایط بد حاکم بر جامعه، روزه‌روز پژمرده‌تر می‌شود:

• إِنَّهَا وَرْدَةٌ فِي أَوْجٍ تَفْتَحُهَا بِحَاجَةٍ إِلَى مَنْ يَسْقِيهَا وَيَسْكُرُ بِعَبِيرِهَا... لَكِنَّهَا تَدْبُلُ وَحِيدَةً  
يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ (همان: ۴۷).

ترجمه: او چون گلی است که در اوج شکفته شدن نیاز دارد به کسی که او را سیراب کند و  
از عطر آن مست شود...؛ اما روزه‌روز به خاطر تهایی پژمرده می‌شود.

## ۲-۵. نیازهای امنیتی

پس از تحقق نیازهای سطح اول، یعنی نیازهای فیزیولوژیکی، سطح بالاتری از نیازها نمود می‌یابد. مزلو این طبقه از نیازها را امنیتی می‌نامد. در این مرحله فرد به «امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، شغل، خانواده، دارایی، سلامتی و ایمنی بدنی و ...» احتیاج دارد (مزلو، ۱۳۷۲: ۷۴). ریم به صراحت بیان می‌کند امنیتی در جامعه وجود ندارد و این نیاز برای آنان مرتفع نشده است:

● لَا تَجِدُ مَكَانًا أَمِينًا تَرْتَاخُ فِيهِ (خوری، ۱۹۵۹: ۳۸۹).

ترجمه: مکان امنی نمی‌یابی که در آن آسوده باشی.

در این گونه جوامع هرگونه فعالیت اجتماعی زنان، برابر با بی‌آبرویی تلقی می‌شود:

● الْفَتَاةُ تَخَافُ الْجَمْعَ... تَخَافُ أَنْ تُلَوِّثَ سَمْعَهَا أَلْسِنَةَ السُّوءِ... وَأَنْ تَحَطَّمَ مُسْتَقْبَلُهَا الْأَقْوَابِلُ... (همان: ۵۶).

ترجمه: دختران از جامعه می‌ترسند ... از اینکه زبان‌های بد آبرویشان را خدشه‌دار کند و سخنانی که بر سر زبان‌ها می‌افتد، آینده آنان را درهم شکند، می‌ترسند ...

در بخشی از رمان، خوری از سنت‌های موجود در جامعه که زنان را محدود می‌کند انتقاد می‌کند:

● لَقَدْ سَأَلَ النَّاسُ التَّقَالِيدَ الَّتِي أُحِبُّ لِيَتَمَسَّكُوا فَقَطَّ بِالتَّقَالِيدِ الَّتِي تُقَيِّدُ حُرِّيَةَ الْفَتَاةِ (همان: ۱۰۶).

ترجمه: مردم از رسوماتی که من دوست دارم روی‌گرداندند و فقط به سنت‌هایی پایبند هستند که آزادی دختران را محدود می‌کند.

«زیاد» شخصیت دیگر رمان، دائماً به جامعه ریم انتقاد می‌کند و از او می‌خواهد در کشوری زندگی کند که در آنجا آزادی داشته باشد:

● لماذا تعيشين في هذه البلدة وباستطاعتك أن تذهبي أينما تشائين؟! (همان: ۷۸).

ترجمه: چرا تو در این کشور زندگی می‌کنی، حال آنکه می‌توانی هر جا که بخواهی بروی؟

● أنت تعيشين في حياة إجتماعية طغت قوانينها على العادات الطبيعية (همان: ۱۸۰).

ترجمه: تو به صورت اجتماعی زندگی می‌کنی که قوانین آن بر ضد عادات‌های طبیعی است.

اما ریم، طالب آزادی است و آن را وسیله‌ای برای شکوفایی خود و زنان کشورش می‌داند:

● لا تُوجَدُ حُرِّيَةٌ فِي بَلَدِي لَا مَحَالَ فِيهَا لِمَارَسَةِ هَذِهِ الْحُرِّيَةِ... أَنَا حُرَّةٌ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَذْهَبَ مَعَ زِيَادٍ إِلَى أَيِّ مَقْهَى أَشَاءُ (همان: ۱۳۳).

ترجمه: در کشور من آزادی وجود ندارد و مجالی برای تجربه‌کردن این آزادی هم وجود ندارد ... من آزاد می‌توانم به همراه «زیاد» هر قهوه‌خانه‌ای که می‌خواهم بروم.

ریم با مرگ پدر تنها تر می‌شود:

● لِمَاذَا أَنَا الْيَوْمَ أَشْعُرُ بِالْوَحْدَةِ أَكْثَرَ مِنْ بَقِيَّةِ الْآيَامِ؟! وَحَدِي فِي هَذِهِ الْحَجْرَةِ!! (همان: ۹۰).

ترجمه: چرا من امروز بیشتر از همه روزها احساس تنهایی می‌کنم؟! تنها در این اتاق!



این تنهایی موجب می‌شود که ریم تصمیم بگیرد برای خود شغلی انتخاب کند تا از تنهایی حاکم بر وجودش رهایی یابد؛ اما اطرافیانش نیز وی را به خاطر این تصمیم سرزنش می‌کنند:

● فَقَدْ تَذَكَّرَنِي عَمِّي وَلِأَوَّلِ مَرَّةٍ جَاءَ إِلَيَّ فِي مَسَاءِ الْيَوْمِ التَّالِي ... .

ترجمه: عمویم بادی از من کرد و برای اولین بار، عصر روز دوم نزد من آمد ... .

● أَصْحِيحُ أَنْكَ سَتَعْمَلِينَ؟

ترجمه: راست است که تو کار می‌کنی؟

● أَجَبْتُهُ بِهَدْوَةٍ: لَقَدْ إِبْتَدَأْتُ الْعَمَلَ الْيَوْمَ

ترجمه: به آرامی پاسخ دادم: امروز کارم را شروع کرده‌ام.

● زَأْرَتُ نَقْمَةً فِي أَسَارِيرِهِ.

ترجمه: عصبانیت، بین خطوط پیشانی‌ش موج می‌زد.

● مَاذَا تَقُولِينَ؟! الْيَوْمَ؟! كَيْفَ لَا تُفَكِّرِينَ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ، مَاذَا سَيَطُنُّ النَّاسُ؟! مَاذَا

سَيَقُولُونَ عَنَّا؟! أَلَا تَكْفِينَا الْأَفَاوِيلُ الَّتِي تُلَاحِقُكَ فِي كُلِّ مَكَانٍ؟! (همان: ۳۱).

ترجمه: چه می‌گویی؟! امروز؟! چطور به عواقب این کار فکر نمی‌کنی؟! مردم چه گمان

می‌کنند؟! درباره ما چه می‌گویند؟! آیا این شایعاتی که همه‌جا پشت سرت می‌گویند بس نیست؟!

اما ریم برخلاف نظر دیگران، معتقد است که کارکردن به آبروی انسان لطمه‌ای وارد نمی‌کند:

● هَلْ مِنَ الْعَيْبِ أَنْ يَعْمَلَ الْإِنْسَانُ؟! هَلْ يُسِيءُ ذَلِكَ إِلَى سَمْعَتِي؟! هَلْ يُمْسُ أَخْلَاقِي؟!

(همان).

ترجمه: آیا کارکردن برای انسان عیب و ننگ است؟ آیا آن به آبروی انسان خدشه وارد می‌کند؟ آیا

به اخلاقم لطمه می‌زند؟

با اینکه جامعه و سنت‌ها و مردم مخالف کارکردن زنان هستند و دائماً زنان را مورد سرزنش قرار

می‌دهند:

● الْمُجْتَمَعُ... الْمُجْتَمَعُ... لِمَاذَا يَلُومُنِي دَائِمًا الْمُجْتَمَعُ...؟! (همان: ۵۵).

ترجمه: جامعه ... جامعه ... چرا جامعه دائماً مرا سرزنش می‌کند؟!

ولی ریم، خود را شخصیتی آزاد می‌داند که تقالید نباید آزادی‌اش را سلب کنند:

● أَنَا شَخْصِيًّا أَعْبُدُ الْحُرِّيَّةَ (همان: ۷۲).

ترجمه: من به‌طور خاصی آزادی را ستایش می‌کنم.

### ۳-۵. نیازهای اجتماعی

مرحله سوم هرم مزلو، برآوردن نیازهای اجتماعی است. «به مجرد اینکه نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی، تا حدی برطرف می‌شود، نیاز به عشق و محبت در ابتدای مرحله بعدی خودنمایی می‌کند تا بتواند انسان را به طرف جلو سوق دهد؛ به همین دلیل، در انسان تمایل شدیدی برای ارتباط عاطفی با دیگران ایجاد می‌شود» (محمد، ۱۹۹۸: ۴۵۳-۴۵۷). وابستگی عاطفی و روابط خانوادگی، عضویت در گروه‌های خانوادگی، دوستانه و کاری، از مهم‌ترین موارد نیاز اجتماعی است (مزلو،

۱۳۷۲: ۹). نکته قابل توجه این است که «در این مرحله، آدمی آشکارا نبود عزیزان را در پیرامون خود احساس می‌کند؛ کسانی چون همسر، پدر، مادر و فرزند و ... در نتیجه فرد در این مرحله، به شدت تشنه برقراری پیوندهای عاطفی با مردم و پدیدآوردن جایگاهی درخور خویش در خانواده است» (سیف، ۱۳۹۰: ۲۳۴). ریم، به‌ویژه بعد از مرگ پدر، به‌شدت خواهان یک حامی است:

• كُنْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى أَبِي يَدْفَعُنِي إِلَى الْأَمَامِ يُشَحِّقُنِي وَيَحْمِينِي (خوری، ۱۹۵۹: ۱۴۴).

ترجمه: من به پدری احتیاج دارم که مرا به جلو سوق بدهد و تشویق کند و حامی من باشد.

مزلو اعتقاد دارد که «نیازهای هر سطح معین باید دست کم تا حدودی ارضاء شوند تا نیازهای سطح بعدی بتوانند به‌صورت عوامل تعیین‌کننده به عمل درآیند» (۱۳۷۲: ۹۲). ریم پس از آشنایی با آلفرد، گمان می‌کند او همان کسی است که می‌تواند نیازهای امنیتی وی را محقق کند؛ اما اختلاف دیدگاه، بین آن دو جدایی می‌اندازد. آلفرد به اروپا برمی‌گردد و بار دیگر ریم این تنهایی را تجربه می‌کند؛ لذا تصمیم می‌گیرد این بار با پیوستن به گروه‌های دوستانه و شب‌نشینی‌ها، خود را سرگرم کند. ریم که نیاز سطح دوم برایش مرتفع نشده، در تلاش است با ارتباط با دوستان و فعل و انفعالات اجتماعی، بخشی از نیازهای سطح دوم و هم‌زمان نیاز سطح سوم خویش را محقق سازد. نیاز به دوست، به عشق و همسر و نیاز به محبت و عاطفه در بخش‌های مختلفی از رمان ذکر شده است:

• أَلْحَثُ أَنْ أَجِدَ بَيْنَ النُّجُومِ إِنْسَانًا أَنْ أَجِدَ صَدِيقًا (خوری، ۱۹۵۹: ۲۸).

ترجمه: در بین ستارگان به دنبال انسانی هستم تا دوستی پیدا کنم.

• شَعَرْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى عَطْفٍ... إِلَى كَيْفِ رَحِيمَةٍ... إِلَى صَدِيقٍ... (همان: ۸۵).

ترجمه: من به عاطفه و مهربانی شخصی مهربان و به یک دوست ... نیاز دارم ...

• كُنْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّحَدُّثِ إِلَى أَيِّ شَخْصٍ (همان: ۱۲۳).

ترجمه: من نیاز دارم با هر کسی سخن بگویم.

• أَنَا أُرِيدُ رَجُلًا يُحِبُّنِي لِأَنَّهُ يَفْهَمُنِي (همان: ۱۷۸).

ترجمه: من مردی را می‌خواهم که مرا دوست داشته باشد و مرا بفهمد.

• كُنْتُ سَأُولُ إِنِّي فِي حَاجَةٍ إِلَى شَخْصٍ حَبِيبٍ يَتَّقِي إِلَى جَانِبِي (همان: ۱۸۶).

ترجمه: خواهم گفت که من به محبوبی نیاز دارم که کنارم بماند.

• أَنَا فِي حَاجَةٍ إِلَى رَجُلٍ يَقِينِي الْعَاطِفَةَ... كَمْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ لِيَقُولَ لِي أَنِّي جَمِيلَةٌ (همان: ۲۱۶).

ترجمه: من به مردی نیاز دارم که عاطفه را در من به وجود آورد ... چقدر نیاز دارم که به من بگوید

توزیبایی!

• أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى عَطْفٍ وَزِيَادٍ هُوَ الَّذِي يَسْتَطِيعُ أَنْ يُعْطِينِي هَذَا الْعَطْفُ (همان: ۲۷۱).

ترجمه: من به عطف و نیاز دارم و «زیاد» کسی است که می‌تواند این عاطفه را به من ببخشد.

#### ۴-۵. نیازهای احترامی

مرحله چهارم هرم مزلو، برآوردن نیازهای احترامی است. «اشباع شدن این نیازها باعث احترام انسان نسبت به خود و احترام مردم نسبت به او می‌شود؛ در این صورت جایگاه و هویت او مستحکم شده و به طرف کار و کسب موفقیت گرایش پیدا می‌کند» (مبروک، ۲۰۱۱: ۶۳). در این مرحله، ریم در تلاش برای برآوردن نیازهای سطح چهارم، یعنی نیازهای احترامی است؛ «این نیاز به دو گروه فرعی تقسیم می‌شود: ۱. نیاز به توانایی، موفقیت، مهارت، شایستگی، استقلال و آزادی ۲. نیاز به اعتبار، مقام، افتخار، شهرت و اهمیت» (مزلو، ۱۳۶۷: ۱۵۴)؛ اما برآورده شدن این نیازها با موانعی همراه است. پایبندی به رسوم و سنت‌ها از جمله این موانع است. «هنگامی که زن تلاش می‌کند تا این وضعیت را تغییر دهد، علاوه بر اینکه جامعه مانع او می‌شود، گاهی اوقات می‌بینیم که خود او نیز این موقعیت را می‌پذیرد و تبدیل به جزئی از هستی و افکار و اعتقادات او می‌شود و به آن چنگ می‌زند؛ به گونه‌ای که جامعه مردسالار و وظایف او را مشخص می‌کند و زن نباید از آنها تخطی نماید» (سواری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

ریم که هم شاعر، هم نقاش و هم موزیسین است، دوست دارد تحصیلاتش را ادامه دهد و هنرش را شکوفا کند؛ اما با مخالفت پدرش مواجه می‌شود:

● لَكِنَّ وَالِدِي رَفَضَ أَنْ أَكْمِلَ دِرَاسَتِي وَأَدْخُلَ الْجَامِعَةَ لِأَنَّ الْفَتَاةَ فِي بَلَدِي لَا حَاجَةَ بَهَا إِلَى الشَّهَادَاتِ الْعُلْيَا (خوري، ۱۹۵۹: ۲۳).

ترجمه: اما پدرم نپذیرفت که تحصیلاتم را ادامه بدهم و وارد دانشگاه شوم؛ چراکه در کشورم دختر به مدارک سطح بالا احتیاجی ندارد.

شخصیت اصلی رمان به رغم مخالفتش با سنت‌ها و رسوم، برای احترام، جایگاه ویژه‌ای قائل

است:

● أَنَا أَيْضًا رَاضِيَةٌ عَنْ بَعْضِ تَقَالِيدِنَا بَلْ أَمْسَكْتُ بِهَا... أَنَا مَثَلًا أَعْتَقِدُ أَنَّهُ مِنْ وَاجِبِ الْفَرْدِ أَنْ يَحْتَرِمَ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ سِنًا (همان: ۱۰۵).

ترجمه: من همچنین از بعضی از رسوم راضی هستم و به آنها پایبندم...؛ مثلاً من معتقدم که واجب است انسان به بزرگ‌تر از خود احترام بگذارد.

ریم احترام به هر فرد را واجب می‌داند، حتی اگر مخاطب را نشناسیم:

● أَنَا لَا أَعْرِفُهَا لَكِنِّي إِحْتَرِمُهَا (همان: ۸۳).

ترجمه: من او را نمی‌شناسم، اما به او احترام می‌گذارم.

چراکه معتقد است احترام گذاشتن به یکدیگر، فاصله‌ها را کاهش می‌دهد:

● إِحْتَرَمْتُ كِبْرِيَاءَهُ وَشَعَرْتُ بِالهُوَّةِ تَرَدُّمِ (همان: ۳۰۴).

ترجمه: به غرورش احترام گذاشتم و احساس کردم فاصله بین ما کم شده است.

ریم پس از آشنایی با زیاد و دل بستگی اش به او، یک روز اتفاقی متوجه می شود زیاد با دختری تلفنی صحبت می کند. با وجود اینکه او نمی تواند وجود فرد دیگری را در کنار محبوبش تحمل کند، زیاد را می بخشد و به نظر خودش این بخشش، عزت نفسش را جریحه دار می کند:

● سَمَّحَتْ... فَجَرَحَ السِّمَّاحُ عِزَّةَ نَفْسِي (همان: ۲۶۳).

ترجمه: بخشیدم ... و این بخشش عزت نفسم را خدشه دار کرد.

به اعتقاد مزلو: «ارضای نیاز به عزت نفس، به احساساتی از قبیل اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، کفایت و مفید و مثمر ثمر بودن در جهان منتهی خواهد شد» (مزلو، ۱۳۷۲: ۸۲). ریم طالب کرامت و عزت نفس است که ارزش و قدرت را برای او مهیا می کند و همچون پلی او را به آرزوهایش می رساند و موجبات شکوفاییش را فراهم می سازد:

● حَتَّى أَغْنِي كُنْتُ فِي بَعْضِ الْأَحْيَانِ أَشْكُ فِي نَفْسِي وَأَتَسَاءَلُ إِذَا كُنْتُ فِعْلًا تِلْكَ الْفِتْنَةَ الَّتِي تَخْلُقُ الْمَشَاكِلَ لِأَسْرَتِهَا لِسَبَبٍ وَحِيدٍ، هُوَ نَفْسُهَا لَا تَخْلُو مِنَ الطُّمُوحِ وَإِنَّهَا تُطَالِبُ بِكِرَامَتِهَا كَأَنسَانَةً تُرِيدُ أَنْ تَحْيَا (خوری، ۱۹۵۹: ۲۳).

ترجمه: به گونه ای که گاهی اوقات به خودم شک می کردم و سپس از خودم می پرسیدم من همان دختری بودم که برای خانواده اش مشکل به وجود می آورد، تنها به یک دلیل؛ و آن اینکه نفسش از بلندپروازی دست نمی کشید و مثل هر انسانی که می خواهد زنده باشد و زندگی کند، طالب کرامت و بزرگی بود.

## ۵-۵. نیازهای خودشکوفایی

مزلو بر این باور است که «انسانها برای خودشکوفایی، یک نیاز هوشیار دارند و می خواهند به کسی تبدیل شوند که می توانند باشند» (راتوس، ۱۳۸۸: ۶۳۱). «وقتی انسان، به خودشکوفایی می رسد به وسیله آن در میان جمع متمایز می شود و بر دیگران برتری می یابد» (حمیدی الفرماوی، ۲۰۰۸: ۱۲). به اعتقاد مزلو خودشکوفایی همان تمایل انسان به تحقق خویشتن است. مهم ترین ویژگی های خودشکوفایی از دیدگاه او عبارت اند از: درک بهتر واقعیت و برقراری ارتباط با آن، مقاومت در برابر فرهنگ پذیری، پذیرش خود و دیگران و طبیعت، خودانگیزگی، ساده و طبیعی بودن، کیفیت کناره گیری و نیاز به خلوت، خلاقیت و آفرینندگی، تمایز بین وسیله و هدف و مسئله مداری ← مزلو، ۱۳۶۹: ۲۱۶-۲۳۸). با توجه به اهمیت خودشکوفایی در زندگی انسان، این مرحله به صورت مفصل تری مورد مذاقه قرار می گیرد:

### ۵-۵-۱. درک بهتر واقعیت و برقراری ارتباط با آن

در این مرحله، وابستگی عاطفی بین زیاد و ریم موجب شده است که ریم درباره حرف های زیاد بیندیشد:

● أريدُ صالحك يا ريم! أريدك قويه! أنت خلقت كي ما تكونين فنانة لماذا لا تكئين؟ هل نضب نبع الهامك؟ استفيدي من مواهبك، اكتبني ... استثمري حروفك! ضحني من أجل فك واجعلي من الفن حياتك لا من الحب! (خوري، ۱۹۵۹: ۲۱۹).

ترجمه: من صلاح تو را می‌خواهم ریم! می‌خواهم تو قوی باشی! تو آفریده شده‌ای تا هنرمند شوی، چرا نمی‌نویسی؟! آیا سرچشمه الهام تو خشک شده است؟ از نعمت‌های استفاده کن! بنویس ... از حروف استفاده کن! خودت را به خاطر هنرت قربانی کن و زندگی‌ات را بر اساس هنرت قرار بده نه بر اساس عشق!

ریم که واقع‌گرایی‌اش بر عشق و خیال او غلبه کرده، پس از اعتراف زیاد به علاقه‌اش به او،

سعی می‌کند وی را قانع کند که تصمیم گرفته است به هنرش بیشتر توجه کند:

● لكنتك أنت يا زياد! حملتني إلى الواقع علمتني أن أحب فني أن أعطني بفتي أن أعيش للشعر ... وأنا الآن مؤمنة بأن الزواج والفن لا يجتمعان (همان: ۳۷۷).

ترجمه: اما تو «زیاد» مرا به واقعیت رساندی، به من یاد دادی که هنرم را دوست بدارم و به هنرم توجه کنم و برای شعر زندگی کنم ... من الان ایمن دارم که ازدواج و هنر با هم جمع نمی‌شوند.

#### ۵-۲. مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری

مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری، یعنی «مقاومت در برابر هم‌رنگ‌شدن با جماعت و مستحیل‌نشدن در مقررات، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی» (شاملو، ۱۳۸۸: ۱۴۱). افراد خودشکوفای به‌غایت خودجوش، مستقل و خودکفا هستند. آنها در برابر فشارهای اجتماعی و فرهنگی برای فکرکردن و رفتارکردن به شیوه‌ای ویژه ایستادگی می‌کنند (شولتز دوان و شولتز آلن سیدنی، ۱۳۹۲: ۳۵۶)؛ بنابراین، آنها کاملاً سازش‌یافته با فرهنگ غالب جامعه نیستند و اگرچه به روش‌های گوناگون با فرهنگ رسمی کنار می‌آیند، به‌طرز عمیق و معناداری در برابر فرهنگ‌پذیری مقاومت نشان می‌دهند و از فرهنگی که در آن غوطه‌ور شده‌اند، نوعی جدایی درونی احساس می‌کنند (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۳۸). ریم شخصیتی است که زیربار ارزش‌ها و رفتارهایی که فرهنگ غالب از او طلب می‌کند، نمی‌رود؛ فرهنگ‌های غلطی که دختران و زنان را محدود می‌کند. او وقتی با پیشنهاد زیاد درباره رفتن به سینما مواجه می‌شود، این‌گونه واکنش نشان می‌دهد:

● أنا أمام مشكلة! مشكلة سهلة جداً وبسيطة جداً ولكنها مشكلة! هل أرافق زياد إلى السينما؟ ولكن لماذا لأرافقه؟! طبعاً إن أول جواب يبادر إلى ذهني هو: لأن التقاليد تمنع ذلك... لكننا الآن في القرن العشرين، لقد تبدل المجتمع وتغيرت العقليات وتطور تفكير شعبنا... كل شيء تطور إلا التقاليد (خوري، ۱۹۵۹: ۱۰۴-۱۰۵).

ترجمه: (در برابر یک مشکل قرار دارم؛ مشکلی خیلی آسان و ساده، ولی مشکل است! آیا با زیاد به سینما بروم؟ ولی چرا با او نروم؟! البته اولین جوابی که به ذهنم می‌رسد این است: چون سنت‌ها مانع می‌شوند ... اما ما الان در قرن بیستم هستیم، جامعه عوض شده، عقل‌ها تغییر یافته و فکر ملت ما ترقی کرده است ... همه چیز دچار تغییر و تحول شده به جز سنت‌ها.

### ۵-۳- پذیرش خود، دیگران و طبیعت

افراد خودشکופا در مقایسه با دیگران شناخت واقعی تری از خویش دارند. آنان انگیزه‌ها، هیجان‌ها، استعدادها و نقاط ضعف خود را کاملاً می‌شناسند (لاندرین، ۱۳۷۸: ۳۲۳). ریم نیز شخصیتی است که به خود، خواسته‌ها، احساسات و توانایی‌هایش کاملاً واقف است:

● كُنْتُ أَعْرِفُ مَا أُرِيدُ وَوَأْتَقَهُ بِمَا أُرِيدُ وَمُقَرَّرَةٌ أَنْ أَسْتَمِرَّ فِي تَجَرِبَتِي مَعَ زِيَادٍ حَتَّى نَهَائِهَا (خوری، ۱۹۵۹: ۱۴۱).

ترجمه: می‌دانستم چه چیزی می‌خواستم و مطمئن بودم به آنچه که می‌خواستم و تصمیم گرفته بودم، تجربه‌ام را با زیاد تا پایان ادامه دهم.

به اعتقاد مزلو «برای افراد سالم امکان‌پذیر است که خود و فطرتشان را بدون آزرده‌گی یا شکوه و حتی بدون تفکر زیاد درباره موضوعی بپذیرند. آنها می‌توانند فطرت بشری خودشان را با همه نقایصش و با همه تفاوت‌هایش بپذیرند» (۱۳۷۲: ۲۱۹). انسان‌های خودشکופا از کاستی‌هایی که به‌طور طبیعی در آنها وجود دارد، ناراحت نمی‌شوند (جلیلی و نوروز، ۱۳۹۸: ۳۳۵). ریم می‌داند که با زیاد بدخلقی کرده است، اما از این کار پشیمان نیست؛ زیرا آن را طبیعت بشر می‌داند:

● أَخْطَأْتُ! لَكِنِّي لَمْ أَنْدَمْ. فَأَنَا طَبِيعَةٌ بَشَرِيَّةٌ تَتَأَثَّرُ، وَتَغْضِبُ، وَتُتَوَّرُ وَتَحْقِدُ ثُمَّ تَفْرِغُ عَصَاةَ حَقْدِهَا فِي كَلِمَاتٍ جَارِحَةٍ وَتَرْتَاخُ مِنْ كَابُوسٍ يُرْهِقُ أَعْمَاقِهَا (خوری، ۱۹۵۹: ۳۴۲).

ترجمه: خطا کردم! اما من پشیمان نیستم. من طبیعتی بشری هستم که متأثر می‌شود، عصبی می‌شود، فوران می‌کند، کینه‌توزی می‌کند، سپس عصا کینه‌اش را در قالب کلماتی خشن خالی می‌کند و از کابوسی که درونش را آزرده می‌سازد، راحت می‌شود.

از جنبه‌های پذیرش دیگران از سوی شخصیت اصلی رمان، می‌توان به بخشیدن و گذشت کردن از گناه دیگران اشاره کرد:

● سَامَحْتُ... فَجَرَحَ السَّمَاحُ عِزَّةَ نَفْسِي (همان: ۲۶۳).

ترجمه: بخشیدم... و این بخشش، عزت نفسم را خدشه‌دار کرد.

اعتماد داشتن به دیگران را می‌توان نمونه‌ای دیگر از پذیرش محیط و دیگران دانست. ریم به زیاد اطمینان می‌کند و حرف‌های مردم و آنچه درباره‌ی او گفته می‌شود شایعه می‌شمرد:

● أَنَا أَتَّقُ بِهِ بَرِّغَمِ كَلَامِ النَّاسِ بَرِّغَمِ إِعْتِقَادِ النَّاسِ بَرِّغَمِ الْأَقَاوِيلِ وَبَرِّغَمِ مُحَاوَلَاتِ سُوزَانَ لِرُبْحِ عَطْفِهِ (همان: ۲۰۸).

ترجمه: من به‌رغم سخن مردم و اعتقاد آنان و وجود شایعات و نیز به‌رغم تلاش‌های سوزان برای بهره‌مندی از عاطفه او، به وی اعتماد دارم.

به باور مزلو، افراد خودشکופا گاهی از بعضی جنبه‌های رفتارشان، احساس گناه و شرمساری می‌کنند؛ مثلاً از نقص‌هایی در خود و دیگران که بازدارنده کمال انسانی است و می‌تواند برطرف شود، مثل تبلی، بی‌فکری، حسد و تعصب، آزرده می‌شوند (شولتز، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

● تَقَمَّتْ عَلَيَّ نَفْسِي لِمَاذَا لَمْ أُزَيِّنْ وَجْهِي قَبْلَ أَنْ أُخْرَجَ مِنَ الْبَيْتِ؟ لِمَاذَا ارْتَدَيْتُ هَذَا  
الْمِعْطَفَ الْقَدِيمَ وَلَمْ أَهْتَمَّ بِتَصْفِيْفِ شَعْرِي؟ (خوری، ۱۹۵۹: ۴۰).  
ترجمه: از دست خودم عصبانی شدم چرا صورتم را قبل از اینکه از خانه خارج شوم، زینت  
ندادم؟ چرا این پالتوی قدیمی را پوشیدم و چرا موهایم را مرتب نکردم؟  
● أَنَا ضَعِيفَةٌ! أَنَا تَافِهَةٌ! أَنَا كَكُلِّ النَّاسِ دُمِيَّةٌ تَتَقَاذِفُهَا سَائِرُ الدَّمَى وَنَهَضَتْ نَاقِمَةً! كَيْفَ  
لَا أَتَقَدِّدُ نَفْسِي وَاحْسِنُ نَفْسِي قَبْلَ أَنْ أَلُومُ الْمُجْتَمَعَ (همان: ۲۰۵)؟!  
ترجمه: من ضعیفم من بی‌ارزشم! من مانند همه مردم عروسکی هستم که عروسک‌های دیگر او را  
دور می‌اندازند! با ناراحتی برخاستم! چگونه از خودم انتقاد نکنم و خودم را نیکو نگردانم قبل از  
اینکه جامعه را سرزنش کنم!؟

#### ۵-۴-۵. خودانگیختگی، ساده و طبیعی بودن

مزلو معتقد است که «همه افراد خودشکופا را می‌توان نسبتاً خودانگیخته در رفتار و بسیار  
خودانگیخته‌تر از آن در زندگی درونی و افکارشان توصیف کرد» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۱). منظور از فطری  
و طبیعی بودن آن است که این افراد، به شیوه‌ای قراردادی عمل نمی‌کنند، بلکه رفتار آنها ذاتی و  
درونی است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴). فرد خودشکופا نیازی به تظاهر ندارد و منزّه از حيله و  
دغل است؛ زیرا او تمایل دارد همان‌گونه که هست، خود را نشان دهد و از دورویی و تظاهر بیزار  
است (ظهیری‌ناو و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۱). در این رمان شخصیت‌ها خود واقعی خویش را نشان  
می‌دهند و بدون نیرنگ احساسات و عواطف خود را بروز می‌دهند؛ مانند این جمله که نشان از  
خوش‌رویی ریم است:

● أَنْتَ تَعْلَمِينَ يَا لَيْلَى أَنِّي لَا أَحِبُّهُ وَلَكِنْ فَضُولِي يَشُوقُنِي إِلَيْهِ يَسْرِينِ أَنْ أَرَاهُ بَعْدَ كُلِّ هَذِهِ  
الْأَيَّامِ ثُمَّ أَنَا أَعَزَّةٌ كَثِيرًا (خوری، ۱۹۵۹: ۴۸).

ترجمه: لیلیا تو می‌دانی من او را دوست ندارم؛ اما کنجکاوی‌ام تشویق می‌کند و خوشحال  
می‌شوم بعد از این همه مدت او را ببینم و به او عزت و احترام بگذارم.

یا جملاتی از این قبیل که خشم و عصبانیت او را نشان می‌دهد:

● ثَارَتْ ثَوْرَتِي وَافْرَعَتْ فِي وَجْهِ حَدِيثِي كُلُّ مَا يَنْهَشُ قَلْبِي: أَنَا لَسْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى أَمْوَالِكُمْ!  
أَنَا لَسْتُ بِحَاجَةٍ إِلَى وُجُودِكُمْ حَوْلِي! أَنَا فِي حَاجَةٍ إِلَى حَيَاتِي... إِلَى شَخْصِيَّتِي إِلَى  
فَرْدِيَّتِي... إِلَى إِثْبَاتِ وُجُودِي كَيْفَ لَا تَتَفَهَمُونَ ذَلِكَ؟! أَنَا لَسْتُ عَبْدَةً! عَبْدَةٌ لَكُمْ...  
لِلْمُجْتَمَعِ... لِأَرَاءِ النَّاسِ وَ... (همان: ۳۴).

ترجمه: خشمم فوران کرد و همه چیزهایی که قلبم را تحریک می‌کرد سر مادر بزرگم خالی کردم:  
من به اموال شما نیازی ندارم. من به وجود شما در کنارم احتیاج ندارم. من به زندگی‌ام و به  
شخصیت‌م و به فردیت‌م و به اثبات وجودم نیاز دارم. چطور این را متوجه نمی‌شوید؟ من برده نیستم  
بنده شما و جامعه و حرف‌های مردم نیستم.

اعتراف صریح ریم به ناآگاهی اش درباره مباحث جغرافیایی نیز نشانی از سادگی و طبیعی بودن

اوست:

- - أَيْنَ تَقَعُ أَوْ سَلُو؟  
أَجَابَنِي عَصَامٌ ... أَوْ سَلُو هِيَ عَاصِمَةُ النُّرُوجِ! التَّفَتُّ إِلَى الْمَوْسِقِيِّ مُسْتَعْرَبًا مَدْهُوشًا:
  - - الْآتِعْرِفِينَ أَيْنَ تَقَعُ أَوْ سَلُو؟!  
● أَجَبْتُ بِحَيَاءٍ مُؤَكَّدَةٍ: لَا... لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُ! وَيُؤَسِّفُنِي أَنْ أَعْتَرِفَ لَكَ بِأَنِّي أُمِيَةٌ تَمَامًا  
وُخْصُوصًا فِي الْجُغْرَافِيَا.
  - ثُمَّ قَالَ: تُعْجِبُنِي صِرَاحَتُكَ قَلَّمَا تُوجِدُ فِتَاةً تُعْتَرِفُ بِجَهْلِهَا فِي هَذَا الْبَلَدِ (همان: ۵۴).
- ترجمه: اسلو کجاست؟ عصام به من جواب داد: اسلو پایتخت نروژ است! مرد موسیقی دان با تعجب به من نگاه کرد و پرسید: تو نمی دانی اسلو کجاست؟! با حیای خاصی گفتم: نه، نمی دانم. باید اعتراف کنم که من کاملاً بی سوادم، به ویژه در جغرافیا ... بعد گفت: از صراحتت خوشم می آید. کمتر دختری در این کشور وجود دارد که به جهل خود اعتراف کند.

#### ۵-۵-۵. کیفیت کناره گیری و نیاز به خلوت

افراد می توانند بدون اینکه به کسی زیان برسانند، منزوی باشند. «برای آنها آسان است که کناره گیر و نیز آرام و متین باشند. شاید به این دلیل که آنها می خواهند به تعبیری که خودشان از یک وضعیت دارند اعتماد کنند» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۱۸). ریم که گرایش زیادی به دوستان و گذراندن وقت با آنان داشت، پس از مدتی میل زیادی به خلوت گزینی پیدا می کند و این کناره گیری گامی بلند برای رسیدن به شکوفایی اش می شود:

- صيرتُ أُميلُ إِلَى الْهُدُوءِ وَالسُّكُونِ وَأَضِيقُ بِصَحْبَةِ الْأَخْرَيْنِ وَأَصْبَحْتُ أُجِدُّ فِي فِرَاقِي عَالِمًا جَدِيدًا لَمْ أَفْهَمُهُ تَمَامًا يَخْتَلِطُ فِيهِ الْيَأْسُ بِالسُّرُورِ (خوري، ۱۹۵۹: ۱۱۱).
- ترجمه: میل زیادی به آرامش و سکوت داشتم، در جمع دیگران احساس دلنگی داشتم و در تنهایی خود به دنبال دنیای جدیدی می گشتم که به طور کامل آن را نمی فهمیدم و در آن ناامیدی با شادی در هم آمیخته بود.
- فِي الْمَسَاءِ حِينَ جَاءَتْ لَيْلِي وَجَدْتِي وَبَعْضُ الْأَقْرَبَاءِ الَّذِينَ لَمْ أَرَهُمْ مُنْذُ زَمَنِ بَعِيدٍ حَاوَلْتُ أَنْ أَلْهِى نَفْسِي بِأَحَادِيثِهِمْ... شَعَرْتُ بِأَرْتِيَا حِينَ أَنْصَرَفَ الْجَمِيعُ (همان: ۱۴۹).
- ترجمه: لیلا و مادر بزرگم و بعضی از دوستان که مدت زیادی آنها را ندیده بودم، عصر که آمدند، تلاش کردم خودم را با حرف های آنان مشغول کنم ... زمانی که همه رفتند، احساس راحتی و آرامش کردم.

#### ۵-۵-۶. خلاقیت و آفرینندگی

از مظاهر مهم خلاقیت در افراد خودشکوفا، آفرینش زیبایی و خلاقیت هنری است و در ادامه کشف ارزش های والاتر فطرت آدمی، مزلو معتقد بود که افراد خودشکوفا نگاه تازه ای به هر آنچه



انجام می‌دهند، دارند و قاضی، عدالت را و هنرمند، زیبایی را نه برای سودآوری، کسب نام یا قدرت، بلکه آن را با همه وجود و عشق خود دنبال می‌کند (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۳۱).

ریم در نهایت خودباوری و واقع‌بینی برای شکوفا کردن هنرش تلاش می‌کند:

• أَنَا أَحِبُّ الشَّعْرَ لِأَنَّ الشَّعْرَ يُزِينُ حَيَاتِي بِالْمَعَانِي (خوری، ۱۹۵۹: ۳۵۶).

ترجمه: من شعر را دوست دارم؛ زیرا شعر، زندگی‌ام را با معانی زینت می‌دهد.

• سَأَمَلُ كَأَسِي بِرَحِيقِ الْفَنِّ فَالْفَنُّ نَبْعُ قِيَاضٍ دَفَقَ وُجُودٌ لَا يَنْضِبُ مَهْمَا غَرَفْنَا مِنْهُ يَظِلُّ

يَعْرِفُنَا بِالْجَمَالِ وَمَهْمَا نَهَلْنَا مِنْهُ يَظِلُّ يَسْكُرُنَا بِالْأَمَالِ وَالْحُبِّ (همان: ۴۰۷).

ترجمه: جامم را با شراب هنر پر خواهم کرد؛ چراکه هنر چشمه جوشان و تمام‌ناشدنی وجود

است. هر اندازه از آن برگیریم، همچنان زیبایی‌اش ما را غرق می‌کند و هرچه از آن بنوشیم،

پیوسته ما را با آرزوها و عشق مست می‌کند.

#### ۵-۷. تمایز بین وسیله و هدف

از نگاه مزلو افراد خودشکوفای نفس عمل را به خاطر خود عمل و به طریقی مطلق ارج می‌نهند و به‌ندرت در زندگی آنها، آن آشفستگی، سردرگمی، ناسازگاری یا کشمکش را که در برخوردهای اخلاقی افراد معمولی رایج است، دیده می‌شود. این افراد بسیار پایبند اخلاق و دارای استانداردهای اخلاقی معینی هستند (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۳۴). افراد خودشکوفای بینش خود را به‌جای وسیله بر اهداف متمرکز می‌کنند و توانایی زیادی در متمایز کردن این دو دارند. آنها از انجام دادن هر کاری به‌خاطر خود آن لذت می‌برند و نه فقط به‌خاطر اینکه وسیله‌ای برای هدف دیگر است (فیست جسو و فیست گرگوری، ۱۳۹۱: ۶۰۹). ریم با تشخیص درست هدفش بر آن متمرکز می‌شود و از هر چیزی که او را از رسیدن به هدف بازدارد، گریزان است:

• أَمَا أَنَا فَقَدْ تَرَكَتُ الْوُظَيْفَةَ لِأَنِّي أَقْنَعْتُ بِأَنَّهُ يَجِبُ عَلَيَّ أَنْ أَكْمَلَ دِرَاسَتِي وَبَقَيْتُ فِي الْبَيْتِ أَهْبِيءُ نَفْسِي لِذُخُولِ الْجَامِعَةِ بَعْدَ أَشْهُرٍ وَأُحَاوِلُ أَنْ أَجْمَعَ قَصَائِدِي الْقَدِيمَةَ وَأَنْقَحَهَا لِأَطْبَعَهَا فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ إِرْضَاءً لِزِيَادٍ (خوری، ۱۹۵۹: ۱۴۸).

ترجمه: من شغلم را کنار گذاشتم؛ زیرا من قانع شدم که باید تحصیلاتم را ادامه دهم. من در خانه

ماندم تا خودم را برای چند ماه دیگر برای ورود به دانشگاه آماده کنم و تلاش می‌کنم قصائد

قدیمی‌ام را جمع کنم و آنها را ویرایش کنم تا روزی برای رضایت خاطر زیاد، آنها را چاپ کنم.

• أَنَا لَا أُرِيدُ أَنْ أُضَيِّعَ أَوْقَاتِي بِاللَّهْوِ أُرِيدُ أَنْ أَعُودَ إِلَى بَيْتِي أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ سَابِرَهْنَ لِزِيَادٍ أَنِّي قَادِرَةٌ... قَادِرَةٌ... قَادِرَةٌ (همان: ۲۳۷).

ترجمه: من نمی‌خواهم وقتم را با لهو و لعب از بین ببرم، می‌خواهم به خانه برگردم و بنویسم تا به

زودی به زیاد نشان دهم که من می‌توانم... می‌توانم... می‌توانم!

#### ۵-۸. مسئله‌مداری

مزلو معتقد است که «افراد خودشکوفای بیشتر مسئله‌مدار هستند تا خودمدار. در کل توجه زیادی به خودشان ندارند. این افراد عموماً دارای رسالتی در زندگی هستند و وظیفه‌ای بر دوش دارند، خارج

از خودشان مسئله‌ای دارند و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۳). دغدغه نبود آزادی برای دختران و زنان در جامعه و عدم فعالیت آنها و ضعیف‌دانستن آنان را می‌توان نشانی از مسئله‌مداری ریم دانست؛ به همین دلیل، تلاش می‌کند با رسیدن به آرزوهایش الگویی برای این دختران باشد تا راه شکوفایی برایشان هموار شود و از قید و بند محدودیت‌ها رهایی یابند:

● أُرِيدُ أَنْ أَقُومَ بِأَيِّ عَمَلٍ إِيْجَابِيٍّ لِأَنْبُتَ أَنْبِيَّ مَوْجُودَةً أُرِيدُ أَنْ أَمْلَأَ حَيَاتِي بِالْمَعْنَى، نَعْم! قَدْ تَكُونُ هَذِهِ الْمَغَامِرَةُ نَارًا احْتَرَقَ بِهَا وَلَكِنْ عَلَى الْأَقْلَى يَوْمًا مَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ سَأَشْعُرُ بِأَنْ وَجُودِي لَمْ يَكُنْ تَأْفَهًُا وَإِنَّ رُوحِي أَصْبَحَتْ قِيَمَةً لِأَنَّهَا تَكُونُ قَدْ احْتَرَقَتْ وَأَضَاءَتْ أَكْثَرَ مِنْ أَرْوَاحِ الْآخَرِينَ (خوری، ۱۹۵۹: ۱۲۹).

ترجمه: می‌خواهم کار مثبتی انجام دهم تا ثابت کنم که من هم وجود دارم، می‌خواهم زندگی‌ام را با معانی پر کنم. بله! این ماجراجویی آتشی است که با آن می‌سوزم؛ اما حداقل روزی در آینده احساس خواهم کرد که وجودم بی‌ارزش نیست و جان من ارزشمند شده است؛ چراکه بیش از جان دیگران، سوخته و نورانی کرده است.

او در انتخاب مسیر خود، بسیار مطمئن و ثابت قدم است؛ به‌گونه‌ای که حتی معتقد است دختران می‌توانند بر کشورش حکومت کنند:

● سَنَرَهْنُ لَكُمْ أَنْتُمْ الرِّجَالُ أَنَّا عَظِيمَاتٌ وَيَوْمًا مَا سَنَحْكُمُ الْبِلَادَ (همان: ۱۹۰).

ترجمه: به شما مردها نشان خواهیم داد که ما زنان، فوق‌العاده و بزرگیم و روزی بر کشور حکومت خواهیم کرد.

خوری در این داستان بیان می‌دارد که زن برای پخت‌وپز و ازدواج و بچه‌داری و سپس مردن متولد نشده است. وی این اعتقاد را در قالب یک کاراکتر قوی که سعی در بهبود شخصیت خود دارد، به تصویر می‌کشد. زنی که اگرچه سنت‌های جامعه در تضاد با باور او و خانواده‌اش است، اما تمامی موانع را کنار می‌زند و برای شکوفایی خود وجودی‌اش تلاش می‌کند.

## ۶. نتیجه

تحلیل شخصیت اصلی رمان *آیام* معه اثر کولیت خوری بر اساس نظریه خودشکوفایی مزلو نشان داد که خوری به‌گونه‌ای شخصیت اصلی رمانش را آفریده است که از ابتدا برای ارضای نیازهای سطح بالا چون نیازهای احترامی و خودشکوفایی تلاش می‌کند؛ شخصیتی که با وجود محقق‌نشدن برخی نیازهایش در مرحله دوم، باز با جدیت برای شکوفایی هنر و اعلام موجودیت خویش می‌کوشد.

شخصیت اول داستان با وجود اینکه تمامی مؤلفه‌های خودشکوفایی را ندارد، اما وجود شاخصه‌های مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری، مسئله‌مداری و پذیرش خود و دیگران، خلاقیت و سادگی و طبیعی‌بودن در او نشان از خودشکوفایی دارد.

رمان مذکور تا حد زیادی بیانگر شخصیت کولیت خوری است. نویسنده در تلاش است خود وجودی خویش را در قالب شخصیت ریم به نمایش بگذارد و برای آزادی دختران و زنان سرزمینش از قید سنت‌ها و تقالید فریاد برآورد. او در این رمان با تحقیق‌یافتن آرمان‌های شخصی ریم، نشان می‌دهد که دختران جامعه‌اش نیز به خودشکوفایی و رشد و بالفعل شدن نیاز دارند و هیچ چیزی نباید مانع آنها شود؛ زیرا آنان قادر هستند حتی بر کشور خود نیز حکومت کنند.

## منابع

- باقری خلیلی، علی‌اکبر و منیره محرابی کالی (۱۳۹۰)، «بررسی ادراک واقعیت و پذیرش خود و دیگران در غزلیات حافظ (براساس نظریه شخصیت/ خودشکوفایی ابراهام مزلو)»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، ش ۳، صص ۱-۱۸.
- جلیلی، رضا و نوروز، مهدی (۱۳۹۸)، «بررسی سبک فکری ناصر خسرو با الگوهای نوین: نمونه‌های خودشکوفایی در اندیشه و شخصیت ناصر خسرو بر پایه نظریه خودشکوفایی ابراهام مزلو»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال دوازدهم، ش ۳، صص ۳۳۱-۳۵۳.
- حمیدی، علی‌الفرماوی (۲۰۰۸)، *الحاجات النفسية في حياة الناس اليومية (قراءة جدیة في هرم ماسلو)*، القاهرة، دار الفكر العربي.
- خوری، کولیت (۱۹۵۹)، *آیام معه*، بیروت، المكتبة التجارية للطباعة والتوزيع والنشر.
- خیاطیان، قدرت‌الله و صبا فدوی (۱۳۹۵)، «نیل به کمال در نظریه‌های انسان کامل ابن عربی و انگیزش ابراهام مزلو»، پژوهشنامه عرفان، سال نهم، ش ۱۹، صص ۱-۲۰.
- راتوس، اسپنسر (۱۳۸۸)، روان‌شناسی عمومی، ترجمه حسین ابراهیمی مقدم و همکاران، تهران، سالوان، چاپ دوم.
- سواری، فائزه و همکاران (۱۳۹۹)، «تجلیات النسوية ولغتها في أعمال کولیت خوری (لیلة واحدة و آیام معه) و منیره روانی‌پور (دل فولاد و کولی کنار آتش)»، إضاءات نقدية، سال دهم، ش ۳۷، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، روان‌شناسی پرورشی نوین؛ روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، دوران.
- شاملو، سعید (۱۳۸۸)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، رشد، چاپ نهم.
- شولتز، دوان (۱۳۸۵)، روان‌شناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، پیکان، چاپ سیزدهم.
- \_\_\_\_\_ و شولتز، آلن سیدنی (۱۳۹۲)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، چاپ بیست و چهارم.
- مصصامی، شیرین و امین حمامیان (۱۳۹۳)، «بررسی اختلال شخصیت ضد اجتماعی سودابه در شاهنامه فردوسی»، پژوهشنامه ادب حماسی، سال دهم، ش ۱۸، صص ۷۷-۹۳.
- ظهیری‌ناو، بیژن، مریم علانی ایلخچی و سوران رجبی (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی نمونه‌های خودشکوفایی در مثنوی با روان‌شناسی انسان‌گرایانه ابراهام مزلو»، گوهر گویا، سال دوم، ش ۷، صص ۳۸-۵۰.
- عدنان‌الحصینی، سلوی (۲۰۰۹)، *بنیة نخطاب المرأة في أعمال کولیت خوری الإبداعية في ضوء الدراسات المقارنة*، رسالة الماجستير، إشراف، راتب سکر، جامعة البعث.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط و همکاران (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی زبان بدن در دو رمان آیام معه از کولیت خوری و بامداد خمار از فتانه حاج‌سیدجوادی»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ش ۳، صص ۱۹۶-۲۲۱.
- فیست، جسو و گرگوری فیست (۱۳۹۱)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان، چاپ هفتم.

- لاندين، رابرتويليام (۱۳۷۸)، نظريه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی، ترجمه يحيی سيدمحمدی، تهران.
- ميروك، رشاعمحمدعلي (۲۰۱۱)، *الحاجات النفسية في ضوء نظرية ماسلو (دراسة مقارنة بين الكفيف و مبصر)*، رسالة الدكتوراه، المشرف: فوقية حسن عبدالحميد رضوان وآمال العرباوي مهدي، جامعة بورسعيد.
- محمد، السيدعبدالرحمن (۱۹۹۸)، *نظريات الشخصية*، القاهرة، قباء.
- مروتی، سهراب و همکاران (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی سلسله‌مراتبی بودن نیازهای انسان در نظریه مزلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم»، پژوهش‌های علم و دین، سال چهارم، ش ۲، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- مزلو، آبراهام (۱۳۶۷)، روان‌شناسی شخصیت سالم، ترجمه شیوا رویگریان، تهران، هدف.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، افق‌های والاتر فطرت انسان، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- نوروزی، زینب، علیرضا اسلام و محمدحسین کرمی (۱۳۹۱)، «بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه مزلو»، متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهارم، ش ۴، صص ۱۷-۳۲.
- هایل، سهی محمد (۲۰۰۹)، *الرؤيا والتشکیل في إبداع كوليت الخوري الروائي*، رسالة الدكتوراه، المشرف: محمد الشوابكة، اردن، جامعة مؤتة.
- یاوری، حورا (۱۳۸۴)، زندگی در آینه؛ گفتارهایی در نقد ادبی، تهران، نیلوفر.

## References

- Adnan Al-Hassani. S. (2009), The structure of women's call in innovative works of KoulitKoury the light of comparative studies, MA.Thesis, Supervisor RatibSakar, Al-Baath University.
- Al-Farmawi. H.A. (2008), The needs of human beings in daily life (a new reading in the Maslow pyramid), Cairo, *Dar al-Fikr al-Arabi*.
- Arab Yousefabadi. A. et al. (2019), A comparative study of body language in two novels of the days of KolitKhoury and the Morning of Hangover by Fataneh Haj SeyedJavadi, *Comparative Literature Research*, Vol. 3, pp. 196-221.
- BagheriKhalili.A.A. Mehrabi Kali. M. (2011), Study of perception of reality and acceptance of self and others in Hafez's lyric poems (based on the theory of personality /self-actualization of Ibrahim Maslow, *Persian Language and Literature Research*, 3<sup>rd</sup> Year, Vol. 3, pp. 1-18.
- Fist. JesvoF.G. (2012), Theories of personality, translated by YahyaSeyed Mohammadi, Tehran, *Ravan*, 7<sup>th</sup> Ed.
- Haleh. S.M. (2009). Dream and its formation in the works of the author of the novelist KolitKhoury. Ph.D. Thesis. Supervisor: Mohammad Shavabekeh. Ordon. MotehUniversity.
- Jalili. R..Norouz. M. (2019), Study of NaserKhosrow's thought style with new patterns: manifestations of self-actualization in NaserKhosrow's thought and personality based on Abraham Maslow's theory of self-actualization, stylistics of persian poetry and prose, *BaharAdab*, 12<sup>th</sup>Year, No.3, pp. 331-353.
- Khayatian. Q.Fadavi. S. (2016), Achieving perfection in IbnArabi's theories of the perfect man and the motivation of Abraham Maslow, *Journal of Mysticism*, 9<sup>th</sup> Year, Vol. 19, pp. 1-20.
- Khoury. C. (1959), Days with her, Beirut, *Commercial Office of Publishing and Distribution*.
- Landin. R.W. (1999), Theories and systems of psychology, translated by YahyaSeyedMohammadi, Tehran.
- Marshall. R. J.(2012), Motivation and excitement, translated by YahyaSeyedMohammadi. *Tehran*. Ed.

- Maslow. A. (1988), Psychology of healthy personality, translated by Shiva Roygarian, Tehran, Hadaf.
- (1990), Motivation and Personality, translated by Ahmad Rezvani, Mashhad, Astan Quds Razavi.
- (1993), Higher horizons of human nature, translated by Ahmad Rezvani, Mashhad, *Astan Quds Razavi*.
- MobrookRasham.M.A. (2011), The needs of the soul in the light of Maslow's theory (Comparative study between the blind and the sighted), Ph.D. Thesis, Supervisor Foghieh Hassan Ab-Al-Hamid Rezvan and AmalArbavi Mehdi, Boursaeed University.
- Morvati. S. et al. (2013), Critique and study of the hierarchy of human needs in Maslow's theory with an approach to the verses of the Holy Quran, *Research in Science and Religion*, 4<sup>th</sup> Year, Vol. 2, pp. 129-146.
- Muhammad. S.A.R. (1998), Theories of personality, Cairo, *Qaba*.
- Nowruzi. Z. Islamo. A.R..Karami. M.H. (2012), Study of Bahram's personality in seven bodies according to Maslow's theory, *Textbook of Persian Literature*, 4<sup>th</sup> Year, Vol. 4, pp. 17-32.
- Samsami. Sh.Hamamian. A. (2015), Study of personality disorder of social anti-sociality in FerdowsiShahnameh, *Journal of Epic Literature*, 10<sup>th</sup> Year, Vol. 18, pp. 77-93.
- Savari. F. et al. (2020). Feminine effects and its language in the works of Gypsy eating (LaylatVahed and Ayam Ma'am) and MoniroRavanipour (Heart of steel and Gypsy by the fire). *Cash Loss. Critical Trends*. 10<sup>th</sup> Year. Vol. 37. pp. 130-103.
- Schultz. A. (2013), Theories of personality. translated by YahyasidMohammadi, Tehran. 24<sup>th</sup>Ed.
- Schultz. D. (2006), Thepsychology of perfection, translated by GitiKhoshdel, Tehran, *Peykan*, 13<sup>th</sup>Ed.
- Seif. A.A. (2011), Modern Educational Psychology; Psychology of learning and teaching, Tehran, *Doran*.
- Shamloo. S. (2009), Schools and theories in personality psychology, Tehran, *Roshd*, 9<sup>th</sup> Ed.
- Spencer. R. (2009), General Psychology, translated by HosseinEbrahimi, Moghaddam et al, Tehran, *Salavan*, 2<sup>nd</sup> Ed.
- Yavari. H. (2005), Life in the mirror; discourses in literary criticism, Tehran, *Niloufar*.
- ZahiriNaw. B.. AlaeiIlkhchio. M..Rajabi. S. (2008), A Comparative study of manifestations of self-actualization in Masnavi with the Humanistic Psychology of Abraham Maslow, *Gohar Goya*, Vol. 2, No. 7, pp. 38-50.